

بررسی تأثیر گردشگری بر مثلث فقر، نابرابری و رشد اقتصادی

مهديه رضا قلی‌زاده*

(دریافت: ۹۵/۳/۴ - پذیرش: ۹۵/۹/۲۴)

چکیده

با توجه به اینکه همزمان با تکامل مباحث مرتبط به رابطه بین گردشگری و رشد اقتصادی، توجهات از رشد اقتصادی به دیگر جنبه‌های رفاه اقتصادی معطوف شده است، در تحقیق حاضر تلاش گردیده تا با استفاده از نظریات اقتصادی و طراحی یک مدل اقتصادسنجی، فرآیند علت و معلولی که ارتباط‌دهنده گردشگری، رشد اقتصادی و فقر و نابرابری در ایران می‌باشد، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به عبارت دیگر این مطالعه با وارد نمودن گردشگری به مثلث فقر، رشد و نابرابری به دنبال پاسخ به این سؤال می‌باشد که "توسعه گردشگری چه تأثیری بر رشد اقتصادی و نابرابری داشته و نیز از این طریق چگونه فقر را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟" بدین منظور با به کارگیری روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) و با استفاده از آزمون تئوری‌های موجود در این زمینه، رابطه موجود بین متغیرهای فوق در ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۱ مورد آزمون کمی قرار گرفته است. نتایج تجربی به دست آمده حاکی از این است که گردشگری چشم‌اندازهای رشد اقتصادی در ایران را بهبود می‌بخشد و موجب افزایش GDP سرانه می‌شود. همچنین رابطه U معکوس کوزنتس در ایران تأیید گردید و بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان گفت که توسعه گردشگری در ایران باعث کاهش نابرابری می‌شود. از سوی دیگر بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم گردشگری بر فقر نشان می‌دهد که توسعه گردشگری در ایران می‌تواند باعث کاهش فقر شود.

واژگان کلیدی: گردشگری، فقر و نابرابری، رشد اقتصادی، روش گشتاورهای تعمیم‌یافته

(GMM)

طبقه‌بندی JEL: L83، I30، O40، D63

مقدمه

سطوح بالای فقر و نابرابری درآمدی ویژگی اساسی بسیاری از نقاط جهان می‌باشد. در طی دهه ۱۹۹۰، دهک‌های اول و دوم جمعیت در کشورهای با درآمد متوسط (۲۰ درصد فقیر کل جمعیت)، تنها کمتر از ۶٪ تولید ناخالص داخلی را دریافت می‌کردند (دمیرگیو کونت و لوین^۱، ۲۰۰۷). در سال ۱۹۹۸ حدود ۱/۲ میلیارد نفر در سراسر جهان با درآمد کمتر از ۴۰۰ دلار در سال زندگی کرده و بر اساس گزارش بانک جهانی (۲۰۱۳) حدود ۳ میلیارد از ساکنان جهان با درآمد روزانه کمتر از یک دلار زندگی می‌کنند. اگر چه در تحقیقات بین کشوری قبلی نشان داده شده است که افراد فقیر همانند بقیه جمعیت از رشد اقتصادی نفع می‌برند (دلار و کرای^۲، ۲۰۰۲). برخی از مطالعات نیز نشان داده‌اند که رشد درآمد متوسط بیشترین سهم را در کاهش فقر ملی در دهه‌های اخیر داشته است (کرای^۳، ۲۰۰۳).

بررسی فقر و عوامل تأثیرگذار بر آن از جنبه‌های مختلف اهمیت دارد و قابل بررسی است. نارسائی‌های بخش‌های اقتصادی، رکود، بیکاری شدید، تغییرات جمعیتی و سایر عوامل اجتماعی و اقتصادی مختلف موجب شده است تا خانوارهای کم‌درآمد در اکثر کشورهای دنیا به‌طور جدی در معرض فقر قرار بگیرند و افشار محروم از کمک‌های دولت و سایر پیشرفت‌های موجود در جامعه بهره‌مند نشوند. لذا توجه و نگرشی نو به موضوع فقر و عوامل تأثیرگذار بر آن ضرورت پیدا می‌کند. مطالعات انجام شده نشان داده‌اند که فقر با رشد اقتصادی و توزیع درآمد رابطه پیچیده‌ای داشته (فریرا، ۱۹۹۹)^۴ و این سه متغیر دارای ارتباطی متقابل هستند (نسچولد، ۲۰۰۲)^۵ که به مثلث رشد، نابرابری و فقر معروف است (UNU-WIDER, 2008). مطالعات انجام شده توسط اوئه^۶ (۲۰۰۵)، فایسا و همکاران^۷ (۲۰۰۷)، بریدا و همکاران^۸ (۲۰۰۸) و ... نشان می‌دهد که گردشگری یک عامل تعیین‌کننده برای رشد بوده و این رشد اقتصادی ناشی از توسعه گردشگری، یکی از عوامل تأثیرگذار بر فقر می‌باشد و بنابراین می‌توان بیان نمود که یکی از عواملی که می‌تواند بر پدیده فقر در جوامع مختلف تأثیرگذار باشد توسعه صنعت گردشگری است. صنعت گردشگری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و پردرآمدترین صنایع جهان در آغاز هزاره سوم بوده که با درآمد سالانه نزدیک به ۱۰۰۰ هزار میلیارد دلار در جهان، علاوه بر فقرزدایی،

1. Demircuc- kunt & Levin
2. Dollar and Kraay
3. Kraay
4. Ferreira
5. Naschold, F
6. Oh. Chi-Ok
7. Fayissa. B, Tadasse. B, Nsiah.C
8. Brida. Juan Gabriel, et al

عدالت گستری و اشتغال‌زایی، درآمد بالایی را ایجاد کرده و برای فقرا نیز ایجاد شغل می‌کند (نیکولاس، ۲۰۰۴)^۱. از سوی دیگر نباید اهمیت تأثیر گردشگری بر کاهش فقر را از طریق تأثیر بر توزیع درآمد و نابرابری نادیده گرفت که این موضوع نیز در مطالعاتی نظیر پترا گاتی^۲ (۲۰۱۳)، برایت^۳ (۲۰۱۴) و کاراسکال و همکاران^۴ (۲۰۱۵) تأیید شده است. همچنین مطالعاتی که در رابطه با صنعت گردشگری و توزیع درآمد صورت گرفته، نشان می‌دهد که گردشگری از دو طریق غیرمستقیم با تأثیر بر رشد اقتصادی و دیگری به صورت مستقیم بر نابرابری درآمد نیز تأثیر می‌گذارد. بنابراین بر اساس موارد فوق می‌توان بیان نمود که گردشگری هم از طریق تأثیر بر رشد اقتصادی و هم از طریق تأثیر بر نابرابری می‌تواند فقر را تحت تأثیر قرار داده و نیز به طور مستقیم بر آن تأثیرگذار باشد. اما علیرغم اهمیت این موضوع، اکثر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، تنها به بررسی تأثیر متغیر گردشگری بر فقر پرداخته و به جنبه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم این متغیر از طریق وارد نمودن آن به مثلث فقر، رشد و نابرابری توجهی نداشته‌اند. با توجه به اینکه همزمان با تکامل مباحث مرتبط به رابطه بین گردشگری و رشد اقتصادی، توجهات از رشد اقتصادی به دیگر جنبه‌های رفاه اقتصادی معطوف شده، در این مطالعه کوشش شده است تا با استفاده از نظریات اقتصادی و طراحی یک مدل اقتصادسنجی، فرآیند علت و معلولی که ارتباط‌دهنده گردشگری، رشد اقتصادی و فقر و نابرابری در ایران می‌باشد، طی دوره زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۱ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا شواهدی تجربی برای پاسخ به این سؤال که آیا توسعه گردشگری می‌تواند از طریق افزایش رشد اقتصادی و کاهش نابرابری منجر به کاهش فقر شده و لذا به عنوان یک عامل مؤثر در مثلث فقر، رشد اقتصادی و نابرابری در ایران وارد شود یا خیر را فراهم کند.

با توجه به موارد فوق می‌توان سؤالات اصلی و فرعی تحقیق را به صورت زیر بیان نمود:
سؤال اصلی: توسعه گردشگری در ایران از طریق تأثیرگذاری بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد، چگونه فقر را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

سؤالات فرعی:

- توسعه گردشگری در ایران چه تأثیری بر رشد اقتصادی دارد؟
- توسعه گردشگری در ایران چه تأثیری بر توزیع درآمد دارد؟
- توسعه گردشگری در ایران چه تأثیری بر فقر دارد؟

1. Nikolas, Dritsakis
2. Petra Gatti
3. Bright, Adiyia
4. Carrascal, et.al.

با توجه به سؤالات فوق، اهداف کلی و جزئی تحقیق حاضر به شرح ذیل می‌باشد:
 هدف کلی: برآورد تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم (از کانال‌های رشد و توزیع درآمد)
 گردشگری بر فقر در ایران

اهداف جزئی:

- برآورد تأثیر گردشگری بر رشد اقتصادی

- برآورد تأثیر گردشگری بر توزیع درآمد

- برآورد تأثیر گردشگری بر فقر

جهت بررسی روابط فوق از داده‌های سری زمانی و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM^۱) استفاده خواهد شد. به همین منظور، در بخش‌های بعدی ابتدا مروری بر مبانی نظری و رابطه بین متغیرهای مورد مطالعه خواهیم داشت و در ادامه به مطالعات انجام شده در این زمینه اشاره خواهیم نمود. سپس به ارائه مدل و داده‌های تحقیق پرداخته و در پایان نیز نتایج تجربی مدل را مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد.

مبانی نظری ارتباط گردشگری، رشد اقتصادی، نابرابری و فقر

مثلث رشد اقتصادی، فقر و نابرابری^۲

با توجه به تعهد بین‌المللی برای از بین بردن فقر در کشورهای در حال توسعه در سال‌های اخیر، رابطه بین رشد اقتصادی و کاهش فقر و دستیابی به رشد فقرزدا^۳ مورد توجه می‌باشد. تعریف‌های مختلفی از رشد فقرزدا وجود دارد. یک تعریف این است که رشد فقرزدا موقعیتی است که در آن افراد فقیر رشدی بیشتر از افرادی که فقیر نیستند دارند. افراد دیگر رشد فقرزدا را به عنوان رشدی معرفی کرده‌اند که فقر را به یک مقدار مورد توافق کاهش می‌دهد. این مقدار تأثیر رشد بر توزیع درآمد و بنابراین فقر را در نظر نمی‌گیرد. بنابر این برای تحلیل ارتباط بین رشد اقتصادی و کاهش فقر باید اثرات توزیعی را هم در نظر بگیریم که این اثرات توزیعی ممکن است در طی زمان فرآیند کلی رشد را بیشتر یا کمتر از رشد فقرزداگردانند.

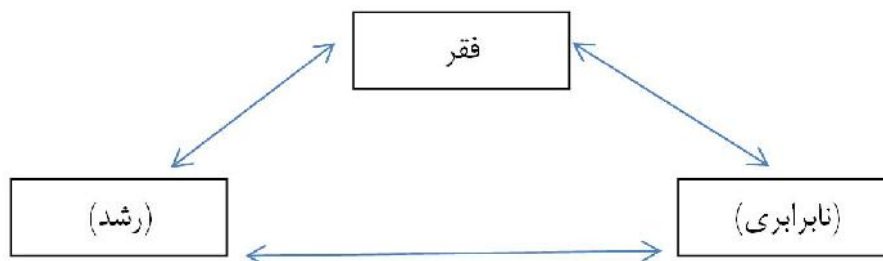
اگرچه برخی تحقیقات بین‌کشوری نظیر دلار و کرای (۲۰۰۲) نشان داده‌اند که افراد فقیر همانند بقیه جمعیت از رشد اقتصادی نفع می‌برند، برخی از مطالعات همانند کرای (۲۰۰۳) نیز نشان داده‌اند که رشد درآمد متوسط بیشترین سهم را در کاهش فقر ملی دهه‌های اخیر داشته است. اما مطالعات موردی نشان داده‌اند که رابطه بین رشد اقتصادی، فقر و توزیع درآمد بسیار

1. Generalized Method of Moment

2. The Triangle of Poverty, Economic Growth and Inequality

3 Pro-Poor Growth

پیچیده تر می باشد و این سه متغیر دارای ارتباطی متقابل هستند که به مثلث رشد، نابرابری و فقر معروف است و یکی از چالش ها و معماهای پیش روی اقتصاددانان توسعه و سیاستگذاران می باشد (UNU-WIDER, 2008). اثرات متقابل این سه متغیر در شکل زیر نشان داده شده است:



نمودار (۱): رابطه فقر، رشد اقتصادی و نابرابری

مطالعات زیادی چگونگی این ارتباط را مورد بررسی قرار داده و اکثر آنها وجود ارتباط قوی بین این متغیرها را تأیید نموده اند (دلار و کرای (۲۰۰۲) و زمان و همکاران^۱ (۲۰۰۹)). بسلی و بورگس^۲ (۲۰۰۳) نشان دادند که یک نرخ رشد ۳/۸ درصدی GDP سرانه در کشورهای در حال توسعه نیاز خواهد بود تا به اهداف توسعه هزاره یعنی کاهش فقر به حدود نصف تا قبل از سال ۲۰۱۵ برسیم. همچنین ایشان می گویند که یک انحراف استاندارد یک واحدی در کاهش نابرابری، فقر را حدود نصف در آمریکای لاتین و بیشتر از نصف در جنوب صحرائی آفریقا کاهش می دهد. محاسبات آنها بیان می کند که رشد کلی و تغییر در نابرابری دو مکانیسم در کاهش فقر می باشد.

برای یک نرخ ثابت رشد، وسعت کاهش فقر به این وابسته است که چگونه توزیع درآمد با تغییرات در رشد و نابرابری های اولیه در درآمد تغییر می کند. دارایی ها و دسترسی به فرصت ها این امکان را می دهند که افراد فقیر از رشد سهمی داشته باشند. بحث دیگری که وجود دارد این است که چگونه نابرابری درآمدی ممکن است بر رشد یک اقتصاد وقفه ایجاد کند. نابرابری در ثروت نشان دهنده نابرابری مشخصی در دسترسی به دارایی های درآمدزا می باشد که این امر منجر به این می شود که افراد فقیر از امکانات بالقوه بهره ور کمتر استفاده کنند. ناتوانی بازار اعتبار به این معنی است که مردم قادر نیستند تا برای سرمایه گذاری در سرمایه های انسانی و فیزیکی از فرصت های ارتقادهنده رشد بهره برداری کنند. با کاهش تولید نهایی سرمایه،

1. Zaman, K. Ikram, W and Ahmad, M

2. Besley and Burgess

کاهش محصول ناشی از ناتوانی بازار برای افراد فقیر بیشتر خواهد بود به گونه‌ای که هرچه نسبت افراد فقیر در اقتصاد بیشتر باشد نرخ رشد کمتر می‌شود. شواهد موجود که از رگرسیون های رشد بین کشوری استفاده می‌کنند عموماً از این دیدگاه حمایت می‌کنند که هر سطح اولیه بالای نابرابری می‌تواند نرخ رشد را کاهش دهد، البته بعد از کنترل کردن عوامل دیگر از قبیل سطح اولیه درآمد (جلیلیان و پاتریک، ۲۰۰۵).^۱

تأثیر رشد اقتصادی بر نابرابری احتمالاً به شرایط اولیه در اقتصاد وابسته می‌باشد. نوشته‌های اولیه بیان کردند که ویژگی‌های اولیه یک اقتصاد مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رابطه نابرابری و رشد می‌باشد. هم لوئیس^۲ (۱۹۵۴، ۱۹۸۳) و هم کوزنتس^۳ (۱۹۵۵) پیشنهاد کردند که رابطه بین نابرابری و رشد اقتصادی به صورت U معکوس می‌باشد. نظریه U معکوس کوزنتس بیان می‌کند در مسیر رشد اقتصادی در کشورها، در ابتدا نابرابری درآمدی افزایش یافته و پس از ثابت ماندن در سطح معینی به تدریج کاهش می‌یابد. لوئیس (۱۹۸۳) توضیح شهودی برای افزایش نابرابری در مراحل اولیه توسعه ارائه کرد: "توسعه باید مساوات طلب باشد زیرا در یک زمان مشابه در هر بخش از اقتصاد شروع نمی‌شود". توزیع نابرابر اولیه ثروت و کمبود دسترسی به شکل‌های مختلف دارایی‌های بهره‌ور، در رو به وخامت رفتن توزیع درآمد با رشد اقتصادی در کشورهای کم‌درآمد نقش دارد. ابتدائاً کسانی که صاحب سرمایه‌های انسانی، مالی و فیزیکی هستند بیشتر از دیگران از رشد اقتصادی منفعت می‌برند (آلسینا و پروتی، ۱۹۹۶).^۴

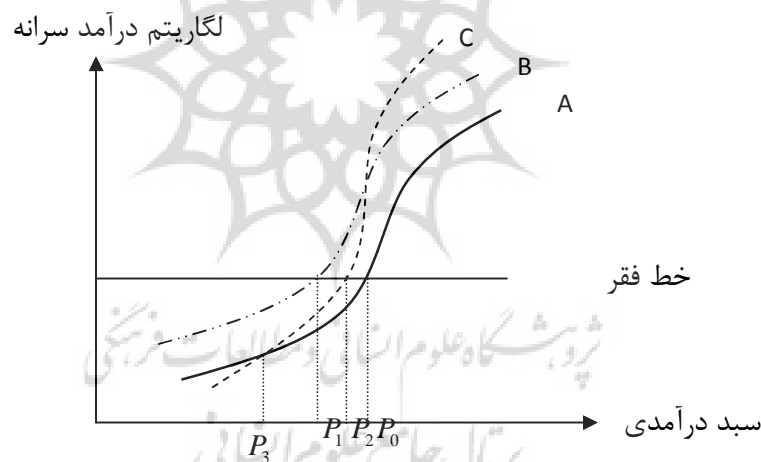
به‌طور خلاصه توزیع ثروت بخش مکمل رشد اقتصادی و کاهش فقر می‌باشد. هم تئوری و هم شواهد تجربی دلالت بر این دارند که نابرابری هم بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد. همان‌طور که اقتصادهای کم‌درآمد رشد می‌کنند، احتمالاً فقر کاهش می‌یابد اما نرخی که در آن فقر کاهش می‌یابد می‌توانست به‌وسیله افزایش در نابرابری کمتر شود. اگر حجم کاهش فقر با توجه به رشد و نابرابری انعطاف‌پذیر باشد تأثیر خالص رشد بر کاهش فقر می‌تواند مثبت یا منفی باشد. همان‌طور که بر گیوگنون^۵ (۱۹۹۶) اشاره می‌کند:

این دیدگاه که نابرابری اکثراً به‌وسیله سطح فعلی توسعه تعیین می‌شود و این دیدگاه که نابرابری نرخ رشد را تعیین می‌کند نه تنها متناقض نیستند بلکه تکمیل‌کننده نیز می‌باشد. این موضوع می‌تواند به‌عنوان یک دیدگاه و جزئی از تعادل عمومی دیده شود که در آن ویژگی و خصوصیات یک سیستم اقتصادی توزیع فعلی درآمد را همراه با دیگر شاخص‌های فعلی اقتصاد

1. Jalilian and patrick
2. Lewis
3. Kuznets
4. Alesina and Perotti
5. Bourguignon

تعیین می‌کند که این شاخص‌ها نیز به‌نوبه خود نرخ رشد و خصوصیات جدید یک اقتصاد را تعیین می‌کنند.

نمودار (۱) رابطه احتمالی بین رشد، نابرابری و فقر را خلاصه کرده است. با شروع از نمای درآمد که به‌وسیله منحنی A نشان داده شده است اگر رشد GDP به‌صورت متعادل بین همه طبقات تسهیم شده باشد یکی از پیامدهای تقسیم متعادل به‌وسیله نمای درآمدی B نشان داده خواهد شد. شکاف عمودی بین A و B نشان‌دهنده رشد درآمدی برای هر طبقه درآمد می‌باشد. در نتیجه رشد برابر در درآمد، توزیع درآمد تغییر نمی‌کند و سطح فقر از P_0 به P_1 کاهش می‌یابد. اگر رشد GDP به‌طور برابر تسهیم نشود توزیع درآمد تغییر خواهد کرد و تأثیر آن بر وضعیت فقر نیز متفاوت خواهد بود. نمای C نشان‌دهنده موقعیتی است که در آن کسانی از رشد بهره اصلی را می‌برند که در سطح بالایی از درآمد قرار دارند. اگر چه فقر کاهش یافته است اما این کاهش کوچک‌تر از مورد قبلی است (P_2-P_0 در مقابل P_1-P_0). تغییر در میان بخش‌های فقیر توزیع نیز وجود دارد و کسانی که پائین P_3 هستند یک افزایش در فقر را تجربه می‌کنند (جلیلیان و پاتریک، ۲۰۰۵).



نمودار (۲): رابطه رشد اقتصادی، نابرابری و کاهش فقر

گردشگری و رشد اقتصادی

رشد و توسعه اقتصادی از جمله اهدافی است که هر اقتصادی دنبال می‌کند که دلیل این مسئله نیز وجود منافع و مزایای فراوانی است که در روند رشد تحقق می‌یابد. اما دستیابی به رشد اقتصادی بالا و پایدار نیازمند پاسخ به این سؤال است که، چه عواملی نرخ رشد اقتصادی را تأمین می‌کنند؟ و یا نرخ رشد اقتصادی چگونه و از طریق چه عوامل و سیاست‌هایی تحت تأثیر قرار می‌گیرد؟ در میان عوامل مختلف مؤثر بر رشد و توسعه اقتصادی کشورها، صنعت گردشگری یکی از عواملی است که گسترش آن موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای را برای برخی کشورها به دنبال داشته است. به نظر اوه (۲۰۰۵) صنعت گردشگری می‌تواند تأثیر مهمی بر افزایش اشتغال، درآمدهای مرتبط با مکان‌های اقامتی و نیز درآمدهای دولتی کشورها داشته باشد. فرضیه توریسم منجر به رشد که حالت خاصی از فرضیه صادرات منجر به رشد می‌باشد، مبنای بسیاری از مطالعات اقتصادی در سطح جهانی قرار گرفته و در بیشتر موارد، درستی آن به اثبات رسیده است. این نظریه استدلال می‌کند که رشد اقتصادی یک کشور نه تنها تابعی از نیروی کار، سرمایه و سایر عوامل مؤثر در اقتصاد آن کشور است، بلکه می‌تواند تحت تأثیر میزان توریست وارد شده به آن کشور نیز باشد.

به‌طور کلی گردشگری به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد (طیپی و همکاران، ۱۳۸۷):

الف: اثر مستقیم

هرچه تعداد ورود گردشگر بین‌المللی به یک کشور افزایش یابد، درآمد حاصل از آن نیز افزایش می‌یابد. از آن جایی که گردشگری یکی از صنایع خدماتی است، درآمد حاصل از این صنعت بخشی از تولید ناخالص داخلی کشور میزبان محسوب شده و مستقیماً بر رشد اقتصادی آن کشور تأثیر می‌گذارد. از این رو، صنعت گردشگری می‌تواند راهکاری مناسب برای کسب درآمدهای ارزی سرشار برای کشورها و در نتیجه رشد اقتصادی بالاتر باشد. به‌عنوان نمونه در سال ۱۹۹۸ گردشگری بین‌المللی حدود ۸ درصد از کل درآمدهای جهان و ۳۷ درصد از صادرات بخش خدمات را به خود اختصاص داده است (رهبری، ۲۰۰۵). همچنین بر اساس پیش‌بینی‌های رسمی سازمان جهانی گردشگری، درآمد حاصل از گردشگری در سطح جهان تا سال ۲۰۲۰، به ارزش تقریبی ۲ تریلیون دلار در هر سال خواهد رسید.

ب) اثر غیرمستقیم

گردشگری به صورت غیرمستقیم نیز بر رشد تأثیر می‌گذارد، چرا که اثر پویایی را در کل اقتصاد به شکل اثرات سرریز^۱ و یا دیگر آثار خارجی^۲ نشان می‌دهد (مارین^۳، ۱۹۹۲). به این صورت که اگر گردشگری به دلیل تعامل زیاد با دیگر فعالیت‌های اقتصادی، دچار رونق شود، سایر فعالیت‌های اقتصادی که به آن کالا یا خدمت ارائه می‌دهند و یا محصول آن را مصرف می‌کنند، همراه با آن حرکت خواهند کرد.

بنابراین طبق مباحث فوق، گردشگری و مخارج توریسم می‌تواند به‌عنوان موتور برای رشد اقتصادی عمل نماید که سایر فعالیت‌ها را نیز به دنبال خود رو به جلو براند.

گردشگری و نابرابری

مطالعاتی که در رابطه با صنعت گردشگری و توزیع درآمد صورت گرفته نشان می‌دهد که گردشگری، از دو طریق غیرمستقیم با تأثیر بر رشد اقتصادی - که در بالا توضیح داده شد- و دیگری به صورت مستقیم بر نابرابری درآمد تأثیر می‌گذارد.

صنعت گردشگری به‌عنوان یکی از پردرآمدترین صنایع جهان در سال‌های اخیر، با درآمد بالایی که داشته توانسته است برای فقرا نیز ایجاد شغل نماید. درآمدهای حاصل از این صنعت با اشتغال‌زایی و فقرزدایی می‌تواند یکی از عوامل تأثیرگذار بر کاهش نابرابری درآمدی بوده و منجر به عدالت‌گستری شود. اما لازم به ذکر است درحالی که گردشگری مزایای اقتصادی فراوانی به همراه دارد، این امکان نیز وجود دارد که تورم و افزایش عمومی قیمت‌ها را به همراه داشته باشد و یا ممکن است موجب کمبود کالاهایی برای مردم بومی گردد (مسون، ۲۰۰۳).^۴

در زمینه ارتباط کلی بین گردشگری و نابرابری درآمدی در بین محققان اختلاف نظر وجود دارد، به گونه‌ای که عده‌ای از آن‌ها نظیر (بلیک و همکاران، ۲۰۰۸)^۵ معتقدند که گسترش این صنعت نابرابری درآمدی را کاهش می‌دهد و توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد، اما افرادی دیگر نظیر (لی، ۲۰۰۸)^۶ معتقدند که در کشورهای مرتبط با صنعت گردشگری، نابرابری درآمدی بزرگتر از کشورهای است که تأثیرپذیری کمتری از این صنعت دارند. بنابراین می‌توان گفت صنعت گردشگری دارای تأثیرات مثبت و منفی بر جامعه میزبان بوده و اندازه این تأثیر بستگی به عوامل متعددی دارد.

1. Spillovers

2. Externalities

3. Marin. D

4. Mason

5. Blake, Adam. Arbache, J. Thea Sinclair, M and Vladimir Kuhl Teles

6. Lee, C-C, Chien

گردشگری و فقر

بررسی اقتصادی- اجتماعی فقر و محرومیت از جمله مسائل پیچیده‌ای است که در شناخت و درک آن باید الزاماً عوامل و متغیرهای متعددی را مورد توجه قرار داد. در این میان صنعت گردشگری به جهت ویژگی‌های منحصربه‌فردی که دارد می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای کاهش پدیده فقر و حتی مبارزه با آن به کار گرفته شود. گردشگری به دلیل درآمدزایی بالا، کاربر بودن، کمک به ایجاد تعادل در دستمزدها، تهیه سرمایه برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنایی، کمک به خلق پیوندهای ارتباطی در درون بخش‌های اقتصادی، ایجاد اشتغالی که برای تمامی سطوح و طبقات اجتماع دارد و همچنین به دلیل نقشی که در توزیع عادلانه درآمد و هدایت پول از سمت طبقات ثروتمند و متوسط اجتماع به جوامع روستایی و فقیر ایفا می‌نماید، فرصت‌های طلایی را در اختیار بشریت گذاشته و بدین وسیله می‌تواند تأثیر بسزایی در بهبود اقتصاد کشورهای کمتر توسعه‌یافته داشته باشد، به طوری که امروزه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از آن در جهت کاهش فقر استفاده می‌شود. مشخص شده است که استراتژی توسعه گردشگری در گشایش و ایجاد فرصت‌هایی برای آسیب‌پذیرترین گروه در صنعت توریسم مؤثر است. به تازگی بعضی از سازمان‌های بین‌المللی، گردشگری را به‌عنوان موتور توسعه اقتصادی برای کمک به کشورهای فقیر در کاهش فقر شناسایی کرده‌اند (کروز و وانگاس، ۲۰۰۸)^۱. طبق نظر هریسون و اسکینیان از دهه ۱۹۷۰ گردشگری ابزاری برای توسعه بوده است و نقش آن در کاهش فقر از اواخر دهه ۱۹۹۰ مورد توجه قرار گرفت و از آن زمان گردشگری حامی فقرا به سرعت به روشی شناخته شده و ارزشمند در جهت کاهش فقر تبدیل شد (ویرینگ، ۲۰۰۸)^۲

گردشگری حامی فقرا^۳

گردشگری حامی فقرا روش و دیدگاهی نسبتاً جدید در توسعه گردشگری است که به‌منظور افزایش دریافت سود خالص توسط قشر فقیر از گردشگری و اطمینان از اینکه رشد گردشگری به کاهش فقر کمک می‌کند، طراحی شده است (اشلی و همکاران، ۲۰۰۱)^۴. این نوع گردشگری در پی فراهم کردن مزایایی ویژه برای فقرا است که ممکن است اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی یا فرهنگی باشد. اهداف این نوع گردشگری از افزایش اشتغال محلی گرفته تا مشارکت فعال مردم محلی در فرآیند تصمیم‌گیری و برنامه‌های توسعه را شامل می‌شود و تا زمانی که فقرا مزایایی از گردشگری به دست می‌آورند می‌توان آن را "گردشگری حامی

1. Crose and Vanegas
2. Wearing
3. Pro-Poor Tourism
4. Ashley, C. Goodwin, H and Roe, D.

فقرا" نامید، حتی اگر سهم افراد متمول بیشتر از فقرا باشد (صادقی، ۱۳۸۵). کاکوانی و پرنیا آن را پروژه‌ای تعریف می‌کنند که فقرا را قادر می‌سازد تا به گونه‌ای فعال در فعالیت‌های اقتصادی شرکت کرده و از آن منتفع گردند (ویرینگ، ۲۰۰۸).

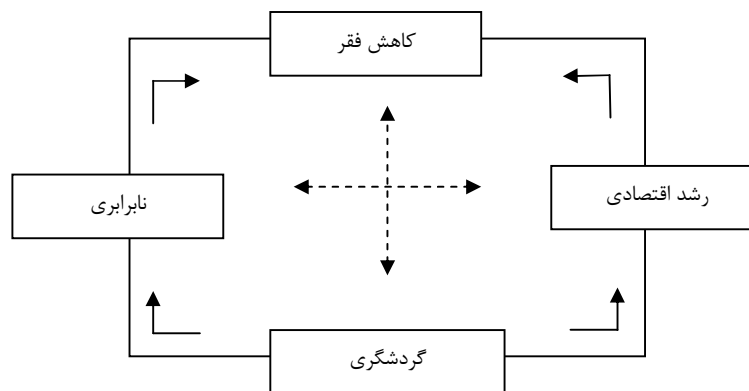
۲-۵- گردشگری، فقر، رشد اقتصادی و نابرابری

مطالعات انجام شده توسط اوه (۲۰۰۵)، فایسا و همکاران^۱ (۲۰۰۷)، بریدا و همکاران (۲۰۰۸) و ... نشان می‌دهد که گردشگری یک عامل تعیین‌کننده برای رشد بوده و این رشد اقتصادی ناشی از توسعه گردشگری، یکی از عوامل تأثیرگذار بر فقر می‌باشد و بنابراین می‌توان بیان نمود که یکی از عواملی که می‌تواند بر پدیده فقر در جوامع مختلف تأثیرگذار باشد توسعه صنعت گردشگری است. صنعت گردشگری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و پردرآمدترین صنایع جهان در آغاز هزاره سوم بوده که با درآمد سالانه نزدیک به ۱۰۰۰ هزار میلیارد دلار در جهان، علاوه بر فقرزدایی، عدالت‌گستری و اشتغال‌زایی، درآمد بالایی را ایجاد کرده و برای فقرا نیز ایجاد شغل می‌کند (نیکولاس، ۲۰۰۴).^۲ از سوی دیگر نباید اهمیت تأثیر گردشگری بر کاهش فقر را از طریق تأثیر بر توزیع درآمد و نابرابری نادیده گرفت که این موضوع نیز در مطالعاتی نظیر پترا گاتی (۲۰۱۳)، برایت (۲۰۱۴) و کاراسکال و همکاران (۲۰۱۵) تأیید شده است. همچنین مطالعاتی که در رابطه با صنعت گردشگری و توزیع درآمد صورت گرفته، نشان می‌دهد که گردشگری از دو طریق غیرمستقیم با تأثیر بر رشد اقتصادی و دیگری به‌صورت مستقیم بر نابرابری درآمد نیز تأثیر می‌گذارد. بنابراین بر اساس موارد فوق می‌توان بیان نمود که گردشگری هم از طریق تأثیر بر رشد اقتصادی و هم از طریق تأثیر بر نابرابری می‌تواند فقر را تحت تأثیر قرار داده و نیز به‌طور مستقیم بر آن تأثیرگذار باشد.

بر اساس مبانی نظری ارائه شده و مطالعات انجام شده قبلی، مکانیسم تأثیرگذاری گردشگری بر کاهش فقر در نمودار زیر ارائه شده است. بر اساس این نمودار گردشگری هم از طریق تأثیر بر رشد اقتصادی و هم از طریق تأثیر بر نابرابری می‌تواند بر فقر تأثیرگذار بوده و نیز به‌طور مستقیم می‌تواند بر فقر تأثیرگذار باشد.

1. Fayissa. B, Tadasse. B, Nsiah.C

2. Nikolas, Dritsakis



نمودار (۲): رابطه بین گردشگری با فقر، رشد اقتصادی و نابرابری

مطالعات انجام شده

تعیین رابطه بین گردشگری و رشد اقتصادی کشورها از جمله موضوعاتی است که بخصوص در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه پژوهشگران کشورهای مختلف قرار گرفته و طی سال‌های اخیر، در ایران نیز مطالعاتی در این رابطه صورت گرفته است. اما از سوی دیگر رابطه موجود بین گردشگری و نابرابری از جمله موضوعاتی است که علیرغم اهمیت بالای آن از نظر پژوهشگران خارجی، تاکنون در داخل کشور به آن توجه چندانی نشده و مطالعه جدی بر روی آن صورت نگرفته است. در رابطه با بررسی ارتباط بین گردشگری و فقر نیز مطالعاتی در خارج از کشور انجام شده است، اما در ایران مطالعات انجام گرفته در این زمینه بسیار محدود می‌باشد. نکته قابل توجه در خصوص مطالعات خارجی و همچنین اندک تحقیقات انجام شده در ایران این است که اکثر این پژوهش‌ها تنها به بررسی تأثیر متغیر گردشگری بر فقر پرداخته و به جنبه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم این متغیر از طریق وارد نمودن آن به مثلث فقر، رشد و نابرابری توجهی نداشته‌اند. همان‌گونه که بیان گردید، با توجه به اینکه همزمان با تکامل مباحث مرتبط به رابطه بین گردشگری و رشد اقتصادی، توجهات از رشد اقتصادی به دیگر جنبه‌های رفاه اقتصادی معطوف شده، در این تحقیق سعی شده است با توجه به تحقیقات اولیه‌ای که ارتباط بین گردشگری و رشد اقتصادی و همچنین رشد اقتصادی و کاهش فقر را مشخص کرده‌اند، فرآیند علت و معلولی که ارتباط‌دهنده گردشگری، رشد اقتصادی و فقر و نابرابری در ایران می‌باشد، به بوته آزمون گذارده شود. به عبارت دیگر این مطالعه با وارد نمودن گردشگری به مثلث رشد، فقر و نابرابری به دنبال پاسخ به این سؤال می‌باشد که " آیا توسعه گردشگری

می‌تواند از طریق افزایش رشد اقتصادی و کاهش نابرابری منجر به کاهش فقر شده و لذا به‌عنوان یک عامل مؤثر در مثلث مذکور وارد شود یا خیر؟" در جدول زیر به تفکیک، به مهم‌ترین مطالعات انجام شده در سال‌های اخیر در خصوص رابطه بین گردشگری با فقر، رشد و نابرابری اشاره شده است.

جدول (۱): مطالعات انجام شده خارجی

نام محقق	موضوع تحقیق و دوره زمانی مورد بررسی	سال انجام تحقیق	روش تحقیق	یافته‌های تحقیق
رابطه بین گردشگری و رشد اقتصادی				
بالاگوئر و کانتاولا ^۱	بررسی نقش گردشگری در رشد بلندمدت اقتصادی اسپانیا طی سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۷۵	۲۰۰۲	تکنیک هم‌انباشتگی جوهانسن-جوسیلیوس	رشد اقتصادی حداقل در سه دهه اخیر به توسعه پایدار گردشگری بین‌المللی منجر شده است.
اجنیو-مارتین و همکاران ^۲	بررسی رابطه بین توریسم و رشد اقتصادی در ۲۱ کشور آمریکای لاتین طی سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۸۵	۲۰۰۴	روش داده‌های تابلویی ^۳ و تخمین زنده آرانو-بوند ^۴	در کشورهای با درآمد سرانه پایین و نیز در کشورهای با درآمد سرانه متوسط، رشد توریسم تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. اما در کشورهای با درآمد بالا این رابطه منفی می‌شود.
اوه	بررسی رابطه بلندمدت بین درآمدهای گردشگری و رشد اقتصادی در کره جنوبی طی دوره ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۱	۲۰۰۵	تحلیل هم‌جمعی	رابطه بلندمدت بین درآمدهای گردشگری و رشد اقتصادی وجود ندارد و بیشتر رشد اقتصادی به گسترش گردشگری منجر می‌شود

1. Balaguer & Cantavella
2. Eugenio- Martin, et al, (2004)
3. Panel Data Approach
4. Arellano- Bond Estimator

تا اینکه توسعه گردشگری به رشد اقتصادی کمک کند.				
شوکه به وجود آمده در مخارج توریسم در ابتدا منجر به افت کوتاهی در رشد اقتصادی می شود اما در بلندمدت تأثیر مثبتی بر رشد اقتصاد مکزیک خواهد گذاشت.	آزمون هم انباشتگی جوهانسون- جوسیلیوس	۲۰۰۸	تأثیر توریسم بر رشد اقتصادی بلندمدت در مکزیک	بریدا و همکاران
کشورهای آفریقایی، می توانند رشد اقتصادی کوتاه مدت خود را توسط تقویت استراتژیک صنعت گردشگری، بالا ببرند.	روش پانل دیتا، چارچوب مدل رشد کلاسیک های جدید	۲۰۰۷ و ۲۰۰۹	بررسی سهم صنعت گردشگری بر رشد اقتصادی و توسعه در ۴۲ کشور آفریقایی (a) و در ۱۷ کشور آمریکای لاتین (b) طی دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۴	فایسا و همکاران ^۱ (a,b)
رابطه مثبت بین گردشگری و رشد اقتصادی در کشور اردن وجود دارد.	روش خودرگرسیون برداری (VAR)	۲۰۱۰	بررسی رابطه علی بین درآمدهای گردشگری و رشد اقتصادی برای کشور اردن در دوره ۱۹۷۰-۲۰۰۹	کریشان ^۲
رابطه بلندمدت مثبت معنادار بین رشد اقتصادی و توسعه گردشگری وجود دارد.	تخمین زننده گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی	۲۰۱۱	بررسی رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی و توسعه گردشگری در پرتغال و کشورهای همسایه در بازه زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۸	لیتاوو
گردشگری هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت دارای اثر مثبت بر رشد اقتصادی در سریلانکا می باشد.	روش توزیع خودرگرسیون	۲۰۱۲	بررسی اثر گردشگری بر رشد اقتصادی سریلانکا با استفاده از روش توزیع خودرگرسیون برای دوره زمانی ۱۹۶۹-۲۰۰۹	رینیوسان و همکاران

⁶ Fayissa, et al.
⁷ Kreishan

رابطه بلندمدت بین درآمد گردشگری و تولید ناخالص وجود دارد.	تجزیه تحلیل هم‌انباشتگی، مدل تصحیح خطای برداری	۲۰۱۳	مدل‌سازی توسعه گردشگری و رشد بلندمدت در اروپا	ریدراستیت و همکاران ^۱
رابطه بین گردشگری و فقر				
گردشگری نمی‌تواند مشکل فقر را حل کند.	رگرسیون چندجانبه	۲۰۰۲	بررسی رابطه بین گردشگری، درآمد سرانه و کاهش فقر در ۱۸ ایالت هند	روی ^۲
گردشگری بر معیشت فقرا تأثیر گذار است و چنانچه اثرات مثبت آن به درستی مورد توجه قرار گیرد، منجر به کاهش فقر می‌شود.	میدانی و با استفاده از پرسشنامه	۲۰۰۳	بررسی اثرات اقتصادی گردشگری و تأثیر آن بر کاهش فقر در تانزانیا	لیوونگا و شیتوندو ^۳
صنعت گردشگری، شاخص‌های اقتصادی توسعه انسانی را بهبود بخشیده و منجر به کاهش فقر شده است.	استفاده از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه انسانی	۲۰۰۸	بررسی تأثیر گردشگری بر کاهش فقر (مطالعه موردی خلیج انکاتا ^۴ مالایو)	گارتنر ^۴
سیاست‌های ترویج گردشگری در کاهش فقر	پرسشنامه	۲۰۱۴	بررسی تأثیر اشتغال در بخش گردشگری بر معیشت محلی (مطالعه موردی غرب اوگاندا)	برایت

^۱ Ridderstaat, et al.

^۲ Roy

^۳ Luvanga and Shitundu

^۴ Gartner

^۵ Nkhata Bay

موفقیت آمیز بوده و گردشگری منبع اصلی درآمد بیش از ۸۰٪ از خانوارها می باشد.				
رابطه بین گردشگری و نابرابری				
گردشگری تأثیر منفی بر نابرابری داشته و آن را در کشورهای مورد مطالعه کاهش می دهد.	اطلاعات بین کشوری و روش داده های تابلویی	۲۰۱۱	بررسی تأثیر گردشگری بر توزیع درآمد	سورج و همکاران ^۱
اثرات توزیعی که توسط شاخص اتکینسون اندازه گیری شد نشان می دهد که ورود گردشگران نابرابری درآمدی را کاهش می دهد.	مدل تعادل عمومی (CGE)	۲۰۱۳	بررسی اثر تغییر در تقاضای گردشگری بر درآمد خالص و مصرف خانوار در کرواسی	پترا گاتی
اثرات مثبت گردشگری بر توزیع درآمد در تمامی گروه های درآمدی مورد مطالعه قابل توجه است.	ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM)	۲۰۱۵	بررسی تأثیر گردشگری بر توزیع درآمد در گالسیا در سال ۲۰۰۸	کاراسکال و همکاران

رابطه بین گردشگری با رشد اقتصادی، فقر و نابرابری				
گردشگری از طریق تأثیر بر رشد اقتصادی و نابرابری، منجر به کاهش فقر در آمریکای مرکزی شده است.	پانل دیتا	۲۰۱۴	بررسی تأثیر گردشگری بر مثلث فقر، رشد اقتصادی و نابرابری در آمریکای مرکزی طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۸۰	وانگاس ^۱

جدول (۲): مطالعات انجام شده داخلی

نام محقق	موضوع تحقیق و دوره زمانی مورد بررسی	سال انجام تحقیق	روش تحقیق	یافته‌های تحقیق
رابطه بین گردشگری و رشد اقتصادی				
طیپی و همکاران (a),(b)	بررسی رابطه گردشگری بین‌المللی و رشد اقتصادی در ایران (a) و کشورهای OECD به‌علاوه چین، هنگ‌کنگ، مالزی، روسیه و تایلند، رابطه علی دوطرفه است و بین این دو متغیر، تعادل بلندمدت وجود دارد.	۱۳۸۶ و ۱۳۸۷	الگوی (a) VAR - الگوی VAR-Panel (b)	رابطه علی بین گردشگری و رشد اقتصادی ایران، کشورهای OECD به‌علاوه چین، هنگ‌کنگ، مالزی، روسیه و تایلند، رابطه علی دوطرفه است و بین این دو متغیر، تعادل بلندمدت وجود دارد.
یاوری و همکاران	بررسی تأثیر مخارج توریسم بر رشد اقتصادی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)	۱۳۸۹	تخمین زنده‌های گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)، اثرات ثابت و اثرات	رابطه مثبت میان مخارج توریسم و رشد اقتصادی (افزایش GDP سرانه) وجود دارد.

1. Vanegas, Manuel

	تصادفی			
رابطه علیت دوطرفه و مثبت بین گردشگری و رشد اقتصادی وجود دارد.	رابطه علیت	۱۳۹۱	بررسی تأثیر گردشگری بر رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا طی دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۲	حقیقت و همکاران
رابطه مثبت بین گردشگری و رشد اقتصادی وجود دارد.	داده‌های پانلی	۱۳۹۱	رابطه علیت میان رشد اقتصادی و توسعه گردشگری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۸	سیدشکری و ابراهیمیان
رابطه مثبت بین گردشگری و رشد اقتصادی وجود دارد.	تخمین زن-های اثرات ثابت و گشتاورهای تعمیم یافته	۱۳۹۳	بررسی رابطه گردشگری و رشد اقتصادی در منتخبی از کشورهای در حال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۹۹۹	حسنوند و خداپناه
رابطه بین گردشگری و فقر				
گردشگری تأثیر مثبت بر کاهش فقر درآمدی خانوارها دارد.	استفاده از شاخص‌های اقتصادی خانوارها	۱۳۸۵	بررسی رابطه بین گردشگری و کاهش فقر در آذربایجان شرقی (شهرهای هریس و کلیبر) طی دوره زمانی ۸۴-۱۳۷۹	صادقی جقه
اشتغال در بخش گردشگری، موجب کاهش فقر می‌شود.	پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه	۱۳۸۹	بررسی تأثیر اشتغال در دو بخش خدمات گردشگری و بیمارستانی بر کاهش فقر	زندى
ارتباط مثبت و معنی داری بین درآمدهای گردشگری و فقر وجود دارد.	مدل داده‌های تابلویی	۱۳۹۲	بررسی تأثیر گردشگری بر کاهش فقر در کشورهای منتخب در حال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۷	هوشمند و همکاران
گردشگری روستایی می‌تواند نقش مهمی در افزایش اشتغال، سودآوری و بهره‌وری		۱۳۹۳	بررسی تأثیر گردشگری روستایی بر کاهش فقر در شهرستان ری (روستاهای قلعه نو و کلین)	شکوری و بهرامی

اقتصادی در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای داشته باشد و لذا منجر به کاهش فقر و بهبود معیشت پایدار روستاها شود.				
رابطه بین گردشگری و نابرابری				
گردشگری تأثیر مثبت بر کاهش نابرابری دارد.	داده‌های تابلویی	۱۳۸۹	بررسی اثر گردشگری بر نابرابری درآمدی مطالعه موردی کشورهای گروه D-8 طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۰۵	دایی کریم زاده و شاکرمی
درآمدهای ناشی از گردشگری تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نابرابری درآمد این مجموعه از کشورها داشته است.	داده‌های تلفیقی	۱۳۹۲	بررسی تأثیر درآمدهای گردشگری بر نابرابری درآمد در منتخبی از کشورهای در حال توسعه (با تأکید بر ایران) طی دوره زمانی ۱۹۹۷-۲۰۰۹	مصطفوی و همکاران
رابطه بین گردشگری با رشد اقتصادی، فقر و نابرابری				
-				

روش تحقیق

همان‌گونه که بیان گردید در این تحقیق سعی شده است با استفاده از نظریات اقتصادی و با توجه به تحقیقات اولیه‌ای که ارتباط بین گردشگری و رشد اقتصادی و همچنین رشد اقتصادی و کاهش فقر را مشخص نموده‌اند، فرآیند علت و معلولی که ارتباط‌دهنده گردشگری، رشد اقتصادی و فقر و نابرابری در ایران می‌باشد، با طراحی یک مدل اقتصادسنجی به بوت‌ه آزمون گذارده شود. جهت بررسی این موضوع از داده‌های سری زمانی طی دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۱ استفاده شده و با به کارگیری روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) و با استفاده از آزمون تئوری‌های موجود در این زمینه، رابطه موجود بین متغیرهای فوق در ایران مورد آزمون کمی قرار خواهد گرفت.

داده‌های موردنیاز در این تحقیق از مجموعه آماری بانک مرکزی، مرکز آمار ایران و سازمان جهانی گردشگری^۱ (UNWTO) گردآوری شده است.

1. World Tourism Organization

مدل‌سازی تحقیق

بر اساس مبانی نظری ارائه شده و مطالعات انجام شده قبلی، گردشگری هم از طریق تأثیر بر رشد اقتصادی و هم از طریق تأثیر بر نابرابری می‌تواند بر فقر تأثیرگذار بوده و به‌طور مستقیم نیز آن را تحت تأثیر قرار دهد. در ادامه این بخش، روابط نشان داده شده بین گردشگری، رشد اقتصادی، نابرابری و کاهش فقر برای ایران فرموله شده و سپس با استفاده از تکنیک‌های مختلف اقتصادسنجی برآورد خواهد شد.

طبق مباحث فوق، گردشگری می‌تواند به‌عنوان موتور برای رشد اقتصادی عمل نماید که سایر فعالیت‌ها را نیز به دنبال خود رو به جلو براند. در این مطالعه فرض می‌شود که رشد اقتصادی به گردشگری و متغیرهای توضیحی دیگر - که در بخش بعدی معرفی خواهند شد - وابسته است، این رابطه به‌صورت زیر فرموله می‌شود:

$$g = r_0 + r_1 TO + r_i W_i \quad i = 2 \dots m \quad (1)$$

که در این مدل g نرخ رشد درآمد سرانه، TO درآمد حاصل از گردشگران بین‌المللی وارد شده به ایران و W_i بیانگر سایر متغیرهای توضیحی است که هم از نظر کیفی و هم کمی بر رشد درآمد سرانه تأثیر دارند. با اضافه کردن یک جزء خطای تصادفی به معادله بالا یک مدل عمومی اقتصادسنجی به دست می‌آید، که می‌تواند برای اندازه‌گیری حجم عوامل تعیین‌کننده مختلف رشد به کار رود.

برای تجزیه و تحلیل رابطه بین گردشگری و نابرابری درآمدی نیز از مدل (۲) استفاده می‌کنیم که در این مدل نابرابری درآمدی به‌وسیله سطح GDP سرانه توضیح داده می‌شود. در این مدل مجذور GDP سرانه برای کنترل کردن متغیرهای دیگر و ویژگی‌ها یا شرایط خاص در کشورهای مختلف به کار می‌رود (بارو، ۲۰۰۰).

$$G = r + s_1 y + s_2 y^2 + \sum_{i=3}^m s_i V_i \quad i = 3 \dots m \quad (2)$$

در معادله بالا، G بیانگر ضریب جینی، y سطح درآمد سرانه و V_i متغیر کنترلی استفاده شده در مدل است که بیانگر سایر متغیرهای تأثیرگذار بر توزیع درآمد است. مدل (۲) یک مدل عمومی است که برای آزمون فرضیه U معکوس به کار می‌رود.

سومین رابطه، رابطه بین رشد و فقر است. برای بررسی این رابطه از روش دلار و کرای سومین (۲۰۰۲) پیروی شده و از مدل نیمه لگاریتمی زیر جهت تخمین این رابطه استفاده می‌شود.

$$\text{Lny}^p = \sim_1 \text{Lny} + \sum_{i=2}^m \sim_i X_i \quad (۳)$$

در این مدل Lny^p برابر است با درآمد سرانه در فقیرترین بخش جمعیت و L نیز درآمد متوسط سرانه کل جمعیت می‌باشد. X نیز متغیر کنترلی استفاده شده در مدل است که برای بررسی سایر عوامل تأثیرگذار بر فقر به کار می‌رود. رابطه بین رشد اقتصادی و فقر به تغییرات توزیعی در طی فرآیند رشد و به سطح ابتدایی نابرابری وابسته است. نابرابری در این معادله به‌عنوان یکی از متغیرهای کنترلی استفاده شده است.

برای اینکه بتوانیم رابطه بین رشد درآمد افراد فقیر و رشد درآمد متوسط را تخمین بزنیم، از رابطه (۳) دیفرانسیل مرتبه اول می‌گیریم و با اضافه کردن یک عرض از مبدأ و جزء خطای تصادفی به آن، یک مدل اقتصادسنجی راجع به عوامل تعیین‌کننده فقر به دست می‌آوریم. دیفرانسیل مرتبه اول معادله (۳) به صورت زیر می‌باشد.

$$g^p = \sim_1 g + \sum_{i=2}^m \sim_i X_i \quad (۴)$$

تخمین پارامترهای معادله (۴)، میزان کشش کاهش فقر با توجه به رشد اقتصاد و دیگر عوامل تعیین‌کننده فقر نظیر نابرابری را به دست می‌دهد.

برای به دست آوردن رابطه مستقیم بین رشد درآمد افراد فقیر و گردشگری، معادلات (۱)، (۲) و (۴) را با هم ترکیب می‌کنیم. برای این منظور معادله رشدی که برای بررسی تأثیر گردشگری بر رشد، به وسیله رابطه (۱) مشخص شد را به جای جزء رشد در دیفرانسیل مرتبه اول عوامل تعیین‌کننده فقر در معادله (۴) جایگزین می‌کنیم. حاصل این جایگذاری به صورت معادله (۵) ارائه می‌شود:

$$g^p = W_1 TO + \sum_i W_{2i} W_i + \sum_i W_{3i} X_i \quad (۵)$$

در معادله بالا $W_1 = \Gamma_1 \sim_1$ ، $W_{2i} = \Gamma_i \sim_i$ ، $W_{3i} = \sim_i$ و $i = 2 \dots m$ است. معادله (۵) تأثیر کلی گردشگری از طریق رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی بر فقر را نشان می‌دهد. ولی تخمین مدل بالا ضرایب کلی W را به دست می‌دهد، درحالی‌که ما به دنبال تخمین Γ و \sim می‌باشیم. از طرف دیگر در صورت وجود همبستگی بالا بین متغیرها، به دلیل وجود مشکل هم‌خطی تخمین این مدل نتایج قابل‌اعتمادی به دست نمی‌دهد. به همین منظور برای بررسی تأثیر گردشگری بر فقر، هر کدام از معادلات تصریح شده به صورت جداگانه و مستقل تخمین زده خواهند شد.

از معادله (۵) با توجه به معادلات (۱) و (۴) نسبت به گردشگری مشتق می‌گیریم تا تأثیر

کلی گردشگری بر فقر را به دست آوریم:

$$dg^p/dTO = \partial g^p/\partial g * \partial g/\partial TO + \partial g^p/\partial TO + \partial g^p/\partial G * \partial G/\partial TO \quad (6)$$

رابطه (۶) تأثیر کلی گردشگری بر فقر را نشان می‌دهد. اولین جزء سمت راست معادله (۶)، تأثیر گردشگری از طریق رشد اقتصادی بر فقر را نشان می‌دهد. دومین جزء این معادله تأثیر مستقیم گردشگری بر فقر را نشان می‌دهد و سومین جزء این معادله نشان‌دهنده تأثیر گردشگری بر فقر از طریق نابرابری است. با توجه به اینکه از معادله (۴)، نرخ تغییر رشد درآمد افراد فقیر

نسبت به تغییر رشد متوسط درآمد جمعیت برابر با \sim_1 ($\partial g^p/\partial g = \sim_1$) و همچنین بر اساس معادله (۱)، تغییر در رشد متوسط درآمد نسبت به یک واحد تغییر در گردشگری برابر با Γ_1 ($\partial g^p/\partial TO = \Gamma_1$) می‌باشد، تأثیر کلی گردشگری بر فقر را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

$$dg^p/dTO = \Gamma_1 * \sim_1 + \Gamma_2 \quad (7)$$

که در این معادله $\Gamma_1 = \partial g^p/\partial TO$ ، نشان‌دهنده تأثیر مستقیم گردشگری بر فقر و $\Gamma_2 = dg^p/dG * \partial G/\partial TO$ نشان‌دهنده تأثیر غیرمستقیم گردشگری بر فقر از طریق نابرابری است.

تخمین و برآورد مدل

همان‌گونه که بیان گردید، در این مطالعه از تخمین زن گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) که توسط آرلانو و بوند^۱ پیشنهاد شده و سپس به صورت وسیع تر توسط بلاندل و بوند^۲ گسترش یافته است، به منظور کنترل درون‌زایی^۳ در تخمین مدل استفاده شده است. استفاده از این روش جهت تخمین مدل مزیت‌های فراوانی دارد به گونه‌ای که برخی، استفاده از این تخمین زن را جهت برطرف کردن واریانس داده‌های سری زمانی بسیار مناسب می‌دانند. تخمین زن‌های GMM با محاسبه تأثیرات ویژه فردی^۴ مشاهده نشده در مدل (که به صورت وارد کردن متغیر وابسته با وقفه به عنوان یک متغیر توضیحی در مدل انجام می‌شود)، کنترل بهتری را برای درون‌زایی کل متغیرهای توضیحی مدل فراهم می‌کنند. در این مطالعه نیز جهت بررسی تأثیر گردشگری بر فقر در ایران از تخمین زن GMM استفاده می‌شود.

1. Arellano and Bond (1991)
2. Blundell and Bond (1998)
3. Endogeneity
4. Individual Specific Effects

گردشگری و رشد اقتصادی

برای بررسی و ارزیابی رابطه بین گردشگری و رشد اقتصادی در ایران، از تخمین زن گشتاور تعمیم یافته (GMM) استفاده می‌شود. برای بررسی این رابطه، معادله (۱) را با لحاظ کردن متغیرهای کنترلی مختلف تخمین می‌زنیم. با توجه به مطالعات انجام شده قبلی و متون اقتصادی و با استفاده از مدل رشد اقتصادی تعمیم یافته سولو، به منظور تعیین واکنش نرخ رشد اقتصادی نسبت به گردشگری و دیگر منابع سنتی رشد، از تابع تولید لگاریتمی زیر استفاده می‌شود (فایسا و همکاران، ۲۰۰۷):

$$LGDPPC_t = C + \beta_1 LGDPPC(-1)_t + \beta_2 LTO_t + \beta_3 LHC_t + \beta_4 OPEN_t + \beta_5 LIVA_t + U_t \quad (۸)$$

$LGDPPC(-1)$ ، لگاریتم طبیعی تولید ناخالص داخلی سرانه با وقفه

LTO_t ، لگاریتم طبیعی درآمد حاصل از گردشگران بین‌المللی وارد شده به ایران

LHC_t : لگاریتم نرخ ناخالص ثبت نام دانش آموزان در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان که به عنوان جانشینی^۱ جهت اندازه گیری سرمایه گذاری در سرمایه انسانی استفاده می‌شود.

$LOPEN_t$: لگاریتم طبیعی نسبت صادرات و واردات به کل GDP که نشان دهنده درجه باز بودن اقتصاد است.

$LIVA_t$: لگاریتم طبیعی میزان ارزش افزوده صنایع به GDP

t: نشان دهنده سال است

انتظار بر این است که رابطه بین رشد با سرمایه انسانی و درجه باز بودن اقتصاد، مثبت باشد.

آزمون ایستایی متغیرها

با توجه به اینکه متغیرهای کلان اقتصادی اغلب حاوی یک روند تصادفی (ریشه واحد) هستند و از آن جایی که حضور چنین روندی، تخمین و استنباط‌های آماری را غیر معتبر می‌سازد، لذا اولین گام برای تحلیل‌های اقتصادسنجی، ساکن نمودن متغیرها است. روند تصادفی متغیرها (ریشه واحد)، با استفاده از آزمون‌های ریشه واحد مشخص می‌گردد. برای بررسی ایستایی متغیرها در مطالعه حاضر از آزمون‌های ریشه واحد تعمیم یافته دیکی فولر^۲ استفاده شده است. که نتایج حاصل از این آزمون در جدول زیر ارائه شده است.

1. Proxy
2. Augmented Dickey- Fuller Unit Root Test

جدول (۳): نتایج آزمون ریشه واحد دیکی- فولر

مقادیر بحرانی			آماره دیکی- فولر	متغیر
٪۱۰	٪۵	٪۱		
-۱/۶۱	-۱/۹۵	-۲/۶۹	-۸/۹۳	LGDPPC
-۱/۵۹	-۱/۹۰	-۲/۶۵	-۱۲/۳۶	LTO
-۱/۶۵	-۱/۹۹	-۲/۶۸	-۱۰/۸۴	LHC
-۱/۶۳	-۱/۹۶	-۲/۶۲	-۲/۳۳	LOPEN
-۱/۶۵	-۱/۹۸	-۲/۶۸	-۷/۷۶	LIVA

منبع: محاسبات تحقیق

همان‌طور که مشاهده می‌شود بر اساس آزمون دیکی - فولر تمام متغیرهای استفاده شده در این تحقیق در سطح ایستا هستند. بعد از بررسی ایستایی متغیرها می‌توان بدون نگرانی از کاذب بودن رگرسیون‌ها، مدل‌های تحقیق را تخمین زد.

تخمین مدل و تفسیر ضرایب

با توجه به تخمین مدل به روش GMM، نتایج تجربی حاصل از تخمین معادله (۸) در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۴)- تأثیر گردشگری بر رشد اقتصادی

متغیر وابسته لگاریتم: لگاریتم GDP سرانه		
متغیر	ضرایب	آماره t
LGDPPC(-1)	۰/۲۸	۳/۲۹
LTO	۰/۰۱	۱/۹۸
LHc	۰/۲۴	۱/۸۳
LOPEN	۰/۱۲	۴/۳۳
LIVA	۰/۱	۲/۸۷
Sargan test statistic		۷/۴۴
R ²		۰/۹۴

منبع: محاسبات تحقیق

به‌منظور تأیید اعتبار نتایج به دست آمده و بررسی اعتبار متغیرهای ابزاری^۱، آزمون سارجان^۲ برای

۱ در روش GMM، در شرایطی که تعداد متغیرهای ابزاری از تعداد ضرایب تخمینی بیشتر باشد، آماره سارجان انتخاب متغیرهای ابزاری را آزمون می‌نماید. آماره سارجان تعداد مشاهدات، دارای یک توزیع کای دو با درجه آزادی برابر اختلاف تعداد متغیرهای ابزاری و تعداد ضرایب تخمینی می‌باشد (نیووی و وست (۱۹۸۷)).

2. Sargan test

هر مدل انجام شده و آزمون همبستگی سریالی^۱ نیز جهت بررسی مشکل خودهمبستگی انجام شد. نتایج به دست آمده از این آزمون‌ها، اعتبار متغیرهای ابزاری را تأیید و وجود هرگونه همبستگی سریالی مرتبه دوم را برای تخمین‌های ارائه شده رد می‌کنند. با استفاده از انجام آزمون هم‌انباشتی^۲، وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل نیز تأیید شد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود تمام متغیرهای مورد استفاده در مدل از لحاظ آماری در سطح بالایی معنی‌دار هستند و علائم ضرایب نیز با تئوری‌های اقتصادی سازگار هستند. بر اساس نتایج آزمون والد، که از توزیع t^2 با درجات آزادی معادل، تعداد متغیرهای توضیحی منهای جزء ثابت برخوردار است، فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن تمام ضرایب در سطح معنی‌داری^۱ درصد رد می‌شود. در نتیجه اعتبار ضرایب برآوردی تأیید می‌شود. آماره آزمون سارجان نیز که از توزیع t^2 با درجات آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش‌ازحد مشخص برخوردار است، فرضیه صفر مبنی بر عدم همبستگی پسماندها با متغیرهای ابزاری را می‌پذیرد. بر اساس نتایج حاصل از این آزمون متغیرهای ابزاری به کار گرفته شده در تخمین مدل از اعتبار لازم برخوردار هستند. در نتیجه اعتبار نتایج جهت تفسیر تأیید می‌شوند.

در معادله (۸)، ضریب گردشگری برابر با ۰/۰۱ و از لحاظ آماری نیز در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است که نشان‌دهنده این است که گردشگری در ایران بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت دارد. با توجه به اینکه مدل به صورت لگاریتمی برآورد شده است، ضرایب متغیرها نشان‌دهنده کشش آن متغیر نسبت به رشد اقتصادی می‌باشند. با توجه به ضریب برآوردی گردشگری، اگر گردشگری در ایران ده درصد افزایش پیدا کند رشد اقتصادی در این کشور به اندازه ۰/۱ درصد افزایش می‌یابد. تأثیر متغیرهای آزادی تجاری، سرمایه انسانی و ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای بر رشد اقتصادی در ایران مثبت و از لحاظ آماری نیز در سطح بالایی معنی‌دار هستند. این نتایج حاکی از این است که آزادسازی تجاری و باز بودن اقتصاد ایران، توسعه سرمایه انسانی و توسعه صنعتی در دوره مورد بررسی، بر رشد اقتصادی ایران مؤثر بوده است.

گردشگری و نابرابری

در این قسمت از تحقیق تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم گردشگری بر نابرابری درآمدی را بررسی می‌کنیم.

برای بررسی وجود رابطه U معکوس که رابطه عدم تعادل درآمدی (که با ضریب جینی

1. Serial Correlation
2. Co integration test

اندازه گیری می شود) و سطح توسعه اقتصادی (که به وسیله GDP سرانه اندازه گیری می شود) را نشان می دهد و همچنین تأثیر مستقیم گردشگری بر نابرابری در ایران، به ترتیب از معادلات (۹) و (۱۰) استفاده می شود:

$$LG_t = C + s_1 LGDPPC_t + s_2 L(GDPPCsq)_t + U_t \quad (9)$$

$$LG_t = C + s_1 LGDPPC_t + s_2 L(GDPPCsq)_t + s_3 LTO_t + s_4 LHC_t + s_5 LOPEN_t + s_6 LIVA_t + U_t \quad (10)$$

G ، نشان دهنده ضریب جینی می باشد.

$GDPPCsq$ ، توان دوم GDP سرانه می باشد.

بقیه متغیرهای استفاده شده در مدل در قسمت قبلی توضیح داده شده اند.

نتایج حاصل از این تخمین ها در جدول (۵) ارائه شده است:

جدول (۵): آزمون نظریه U معکوس کوزنتس (معادله ۹) و بررسی تأثیر مستقیم گردشگری بر نابرابری (معادله ۱۰)

متغیر وابسته لگاریتم ضریب جینی				
	معادله ۹		معادله ۱۰	
متغیر	ضرایب	آماره t	ضریب	آماره t
C	-۱/۰۳	-۲/۴۷	-۰/۷۱	-۱/۱۲
LGDPPC	۰/۱۴	۴/۸۷	۰/۹	۳/۴۸
L(GDPPCsq)	-۰/۰۹	-۵/۶۶	-۰/۰۲	-۳/۵۳
LTO	-	-	-۰/۰۴	-۲/۳۲
LHc	-	-	-۰/۰۷	-۲/۴۸
LOPEN	-	-	-۰/۱۰	-۴/۲۵
LIVA	-	-	-۰/۰۳	-۲/۷۵
R ²	۰/۸۱۵۶		۰/۸۳۶۹	

منبع: محاسبات تحقیق

در معادله (۹) رابطه نابرابری درآمدی و سطح توسعه اقتصادی که به وسیله GDP سرانه اندازه گیری می شود، مورد بررسی قرار می گیرد. بر اساس نتایج به دست آمده، این رابطه طی دوره مورد بررسی در ایران تأیید می شود. ضرایب حاصل از تخمین مدل نیز همگی در سطح بالایی معنی دار هستند.

در معادله (۱۰) بعد از اضافه کردن متغیرهای کنترلی و متغیر گردشگری، تأثیر مستقیم گردشگری بر نابرابری درآمدی در ایران بررسی شد. همان‌طور که در جدول بالا نشان داده شده است تمام ضرایب از علامت‌های سازگار با تئوری برخوردار هستند و تمام متغیرها نیز از لحاظ آماری در سطح بالایی معنی‌دار هستند. مقدار ضریب گردشگری حاکی از این است که اگر درآمد حاصل از گردشگران بین‌المللی وارد شده به ایران به اندازه ۱ درصد افزایش یابد، نابرابری درآمدی به اندازه ۴ درصد کاهش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر رابطه مستقیم گردشگری و کاهش نابرابری درآمدی در ایران در معادله (۱۰) تأیید شد. تأثیر متغیرهای آزادسازی تجاری و سرمایه انسانی نیز بر کاهش نابرابری در ایران مثبت و معنی‌دار است و نشان‌دهنده این است که افزایش باز بودن اقتصاد و توسعه سرمایه انسانی در این کشور بر کاهش نابرابری مؤثر است. رابطه U معکوس کوزنتس به لحاظ آماری نیز در مدل (۱۰) معنی‌دار است.

انتظار می‌رود گردشگری از طریق اثراتی که بر رشد اقتصادی ایجاد می‌کند، به‌طور غیرمستقیم نیز بر نابرابری درآمدی اثرگذار باشد. برای آزمون این تأثیر متغیر ابزاری برای رشد GDP سرانه در نظر می‌گیریم که هر نوع سهمی که گردشگری در رشد ممکن است داشته باشد را رد می‌کند. به همین منظور ابتدا با استفاده از یک رگرسیون کمکی GDP سرانه را بر متغیر گردشگری رگرس می‌کنیم و باقیمانده‌های حاصل از این رگرسیون کمکی را به‌عنوان یک متغیر توضیحی در تخمین عوامل تعیین‌کننده نابرابری وارد می‌کنیم. این متغیر باقیمانده به‌عنوان جایگزین برای تمامی عوامل تأثیرگذار بر رشد GDP سرانه به‌جز گردشگری می‌باشد. نتایج حاصل از تخمین تأثیر غیرمستقیم گردشگری بر نابرابری درآمدی در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول (۶): برآورد تأثیر غیرمستقیم گردشگری بر نابرابری

متغیر وابسته لگاریتم ضریب جینی	ضرایب	آماره t
C	-۲/۲۳	-۰/۸۷
LGDPPC1	-۰/۰۳	-۱/۴۷
L(GDPPC1sq)	-۰/۰۵	-۱/۶۴
LHC	-۰/۰۴	-۱/۰۸
LOPEN	-۰/۰۶۵	-۳/۱۵
LIVA	-۰/۰۹	-۲/۱۲
R ²	۰/۶۵۹۰	

منبع: محاسبات تحقیق

همان‌طور که در جدول فوق نشان داده شده است، به‌جز متغیر سرمایه انسانی که از لحاظ آماری بی‌معنی شده است، معنی‌داری و علامت دیگر متغیرهای کنترلی بدون تغییر مانده است. نتایج نشان می‌دهند با به‌کارگیری متغیر پسماندها به‌جای GDP سرانه در این مدل، رابطه U معکوس کوزنتس دوباره به وجود نمی‌آید و علامت درآمد سرانه نیز منفی شده است و هم‌سطح و هم‌مجدور متغیرهای GDP سرانه به لحاظ آماری بی‌معنی می‌شوند. در واقع با توجه به نتایجی که از برآورد مدل‌های قبلی به دست آمد، می‌توان گفت موقعی که رشد درآمد اتفاق می‌افتد گردشگری در طی زمان تأثیر مشخص و معنی‌داری بر الگوهای توزیع درآمد دارد. اگر این تأثیرگذاری را در مدل در نظر نگیریم کشف مدرک و شواهد لازم در حمایت از رابطه U معکوس دشوار می‌شود.

گردشگری و فقر

برای بررسی رابطه بین گردشگری و فقر همان‌طور که عنوان شد، از روش دلار و کرای (۲۰۰۲) استفاده می‌کنیم. به این ترتیب که برای اینکه بتوانیم هم اثرات توزیعی ناشی از رشد اقتصادی و هم اثرات گردشگری که ناشی از اثر مثبت آن بر GDP سرانه است را در نظر بگیریم، نرخ رشد GDP سرانه برای فقیرترین دهک درآمدی را بر رشد GDP سرانه کل جمعیت با در نظر گرفتن متغیرهای گردشگری و شاخص نابرابری و همچنین متغیرهای کنترلی مناسب رگرس می‌کنیم. برای بررسی این رابطه معادله (۴) را به‌صورت زیر با توجه به مدل دلار و کرای نوشته و تخمین می‌زنیم.

$$LGDPPC_t^p = C + \alpha_1 LTO_t + \alpha_2 LGDPPC_t + \alpha_3 LG_t + \alpha_4 LINF_t + \alpha_5 LPE_t + U_t \quad (11)$$

$LGDPPC_t^p$ ، GDP سرانه فقیرترین بخش جمعیت یا همان دهک‌های پایینی درآمد

$T O$ ، درآمد حاصل از گردشگران بین‌المللی وارده شده به ایران

$GDP PC$ ، GDP سرانه کل جمعیت

G ، شاخص نابرابری درآمدی که در این تحقیق ضریب جینی به‌عنوان جانشین این شاخص

انتخاب شده است.

L ، بیانگر لگاریتم طبیعی و t INF ، نرخ تورم PE ، مخارج عمومی دولت

بیانگر سال می‌باشند

ضریب α_2 نشان می‌دهد که آیا درآمد فقیرترین دهک به‌طور متناسب با رشد درآمدی کل در

اقتصاد رشد می‌یابد یا نه. درحالی‌که ضریب α_1 بیانگر این است که آیا گردشگری علاوه بر تأثیری

که بر رشد کل درآمد دارد تأثیر متفاوت دیگری نیز بر رشد درآمد افراد فقیر دارد یا نه.

نتایج حاصل از این تخمین در جدول زیر ارائه شده است.

جدول (۷): تأثیر گردشگری بر فقر

متغیر وابسته لگاریتم GDP سرانه دهک پائین درآمدی	ضرایب	آماره t
متغیر		
C	-۱/۵۴	-۱/۴۸
LTO	۰/۰۸	۲/۳۸
LGDPPC	۰/۱۹	۴/۴۲
LG	-۰/۰۹	-۲/۹۱
LINF	-۰/۰۸	-۲/۵۷
LPE	۰/۱۴	۱/۶۹
R ²	۰/۶۵	

منبع: محاسبات تحقیق

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود تمامی متغیرها به جزء مخارج عمومی دولت از لحاظ آماری در سطح بالایی معنی‌دار هستند و علائم ضرایب برآوردی نیز با تئوری‌های اقتصادی سازگار است. علامت متغیر گردشگری مثبت و برابر با ۰/۰۸ است که نشان‌دهنده این است که اگر گردشگری به اندازه یک درصد در ایران افزایش پیدا کند به اندازه ۸ درصد بر رشد درآمد افراد فقیر در این کشور تأثیر گذاشته و باعث کاهش فقر می‌شود. ضریب متغیر نرخ رشد درآمد سرانه کل که شاخصی برای رشد کل اقتصاد می‌باشد برابر با ۰/۱۹ به دست آمده و نشان‌دهنده این است که رشد کل اقتصاد در ایران باعث بهبود وضعیت فقرا در این کشور می‌شود. ضریب جینی برابر با ۰/۰۹- بوده و بیانگر این است که اگر نابرابری به اندازه یک درصد افزایش یابد نرخ رشد درآمد سرانه فقیرترین بخش جمعیت در ایران به اندازه ۹ درصد کاهش می‌یابد و لذا افزایش نابرابری باعث افزایش فقر در ایران می‌شود.

گردشگری، فقر، رشد اقتصادی و نابرابری

همان‌طور که در ابتدای تحقیق توضیح داده شد، هدف از این مطالعه برآورد تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم (از کانال‌های رشد و توزیع درآمد) گردشگری بر فقر در ایران بر اساس نمودار (۲) است. بنابراین با توجه به برآورد سایر معادلات مستقیم و غیرمستقیم مربوط به تأثیرات گردشگری، در این قسمت اثر کلی گردشگری بر فقر را محاسبه می‌کنیم. همان‌طور

که در ابتدا عنوان شد، بر اساس معادلات و روابط موجود بین متغیرها و ساده کردن آنها، رابطه (۶) نشان‌دهنده تأثیر کلی گردشگری بر فقر و نابرابری می‌باشد که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$dg^p/dTO = \partial g^p/\partial g * \partial g/\partial TO + \partial g^p/\partial TO + \partial g^p/\partial G * \partial G/\partial TO$$

بر اساس معادلات برآورد شده $\partial g^p/\partial g$ که نشان‌دهنده تأثیر رشد اقتصادی بر فقر است برابر با ۰/۱۹ و $\partial g^p/\partial TO$ که نشان‌دهنده تأثیر گردشگری بر رشد اقتصادی است برابر با ۰/۰۱ و $\partial g^p/\partial TO$ که نشان‌دهنده تأثیر مستقیم گردشگری بر فقر در ایران است برابر با ۰/۰۸ و dg^p/dG که نشان‌دهنده تأثیر مستقیم نابرابری درآمدی بر فقر است برابر با -۰/۰۹ و $\partial G/\partial TO$ که تأثیر گردشگری بر نابرابری در ایران را نشان می‌دهد برابر با -۰/۰۴ است. در نتیجه با توجه به این ضرایب برآوردی تأثیر کلی گردشگری بر فقر در ایران برابر است با:

$$(0/19 \times 0/01) + 0/08 + (-0/09 \times -0/04) = 0/0855$$

نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که یک واحد تغییر در گردشگری منجر به افزایش ۰/۰۸ درصدی GDP سرانه فقیرترین بخش جمعیت شده و لذا فقر را کاهش می‌دهد. با توجه به نتایج حاصل از تخمین مدل، مشخص شد که گردشگری در ایران طی سال‌های مورد مطالعه، باعث رشد اقتصادی و در نتیجه کاهش نابرابری و فقر شده است. برای اینکه مشخص شود که آیا رشد اقتصادی ناشی از گردشگری به نفع افراد فقیر بوده است یا نه، از شاخص کاکوانی و پرینا^۱ استفاده می‌کنیم. بر اساس این شاخص تغییر کلی در فقر شامل دو اثر است، اثر رشد که عبارت است از اثر رشد بر فقر وقتی که توزیع درآمد تغییر نکرده باشد و اثر نابرابری که عبارت است از تغییر در فقر ناشی از تغییر در نابرابری وقتی که درآمد کل تغییر نکرده باشد.

بر اساس این شاخص درصد تغییر در فقر به ازای یک درصد افزایش در رشد، کشش فقر نسبت به رشد (γ) است که شامل دو اثر می‌باشد. اثر خالص رشد (γ^*) برابر است با ۰/۱۹ و نشان‌دهنده درصد تغییر در فقر در ایران با ثابت بودن توزیع درآمد است و اثر نابرابری (γ^i) که برابر است با -۰/۰۹، و نشان‌دهنده درصد تغییر در فقر به ازای تغییر در نابرابری است وقتی رشد تغییر نکرده باشد. بدین ترتیب شاخص رشد به نفع فقیر (W) برابر است با:

$$w = \frac{y}{y_g} = (0.19 - 0.09) / 0.19 = 0.52$$

با توجه به اینکه شاخص رشد به نفع فقیر بین صفر و یک است، رشد اقتصادی ناشی از گردشگری در ایران کاملاً به نفع افراد فقیر نیست، هر چند شمول فقر را کاهش داده باشد. این رشد به طور ضعیف به نفع افراد فقیر است که در واقع همان رشد ریزشی از غنی به فقیر (رشد سرریز)^۱ می‌باشد.

نتیجه گیری

از آن جایی که بر اساس مبانی نظری ارائه شده و مطالعات انجام شده قبلی، گردشگری هم از طریق تأثیر بر رشد اقتصادی و هم از طریق تأثیر بر نابرابری می‌تواند بر فقر تأثیر گذار بوده و به طور مستقیم نیز آن را تحت تأثیر قرار دهد، هدف مقاله حاضر بررسی فرآیند علت و معلولی گردشگری، رشد اقتصادی و فقر و نابرابری و برآورد تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم (از کانال‌های رشد و توزیع درآمد) گردشگری بر فقر در ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۱ می‌باشد. به طور دقیق‌تر این مقاله به دنبال این بوده که شواهدی تجربی برای پاسخ به این سؤال که آیا توسعه گردشگری می‌تواند از طریق افزایش رشد اقتصادی و کاهش نابرابری منجر به کاهش فقر شده و لذا به عنوان یک عامل مؤثر در مثلث فقر، رشد اقتصادی و نابرابری وارد شود یا خیر را فراهم کند. به همین منظور کوشش شده تا رابطه بین گردشگری با فقر، رشد اقتصادی و نابرابری (که در نمودار (۲) نشان داده شده است) فرمول سازی شده و به بوته آزمون گذاشته شود. بدین منظور ابتدا تأثیر گردشگری بر رشد اقتصادی با استفاده از تخمین زن گشتاورهای تعمیم یافته بررسی شد، سپس رابطه U معکوس کوزنتس و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم گردشگری بر نابرابری در ایران مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت تصویر کاملی از تأثیر گردشگری بر فقر که به صورت معادله (۶) نشان داده شده، ارائه گردید.

نتایج حاصل از این مطالعه در خصوص رابطه گردشگری و رشد اقتصادی حاکی از این است که گردشگری چشم‌اندازهای رشد را بهبود می‌بخشد و موجب افزایش GDP سرانه می‌شود. نتایج به دست آمده در خصوص تأثیر مستقیم گردشگری بر نابرابری درآمدی در ایران نشان می‌دهد که اگر درآمد حاصل از گردشگران بین‌المللی وارد شده به ایران به اندازه ۱ درصد افزایش یابد، نابرابری درآمدی به اندازه ۴ درصد کاهش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر رابطه مستقیم گردشگری و کاهش نابرابری درآمدی در ایران در معادله (۱۰) تأیید می‌شود.

رابطه U معکوس کوزنتس به لحاظ آماری نیز در مدل (۱۰) معنی‌دار بوده و در ایران تأیید می‌گردد. از طرف دیگر نتایج برآورد تأثیر کلی گردشگری بر فقر در ایران که اثرات مستقیم و غیرمستقیم گردشگری بر فقر را نشان می‌دهد بیان می‌دارد که یک واحد تغییر در گردشگری منجر به افزایش ۰/۰۸ درصدی GDP سرانه فقیرترین بخش جمعیت شده و لذا فقر را کاهش می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت با توجه به نتایج حاصل از برآوردهای مدل، به‌طور کلی گردشگری در ایران طی سال‌های مورد مطالعه، باعث رشد اقتصادی و در نتیجه کاهش نابرابری و فقر شده است. در نهایت برای اینکه مشخص شود که آیا رشد اقتصادی ناشی از گردشگری به نفع افراد فقیر بوده است یا نه، از شاخص کاکوانی و پرینا استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که رشد اقتصادی ناشی از گردشگری در ایران کاملاً به نفع افراد فقیر نیست، هر چند شمول فقر را کاهش داده باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده از این مطالعه، افزایش سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری و توجه و اهتمام بیشتر به جاذبه‌های گردشگری در ایران جهت افزایش رشد اقتصادی و کاهش فقر و نابرابری در کشور پیشنهاد می‌گردد و می‌تواند از جمله ارکان اصلی توسعه پایدار کشور مدنظر قرار گیرد. توجه بیشتر دولت و مسئولین کشور به بخش گردشگری و سرمایه‌گذاری‌های لازم دولتی و خصوصی در جهت توسعه این صنعت می‌تواند از طریق ایجاد اشتغال، کسب درآمد و تقویت زیرساخت‌ها بر جوانب مختلف زندگی مردم تأثیر گذاشته و موجب کاهش فقر و نابرابری و بهبود توزیع درآمد در کشور شود. از جمله راهکارهای اقتصادی در زمینه به‌کارگیری گردشگری به نفع فقرا آن است که به این مقاصد به‌عنوان مکانی برای تجارت نگریسته شود که این راهکار کمک می‌کند تا در یک سیستم کلی، هر مقصد گردشگری به‌عنوان یک زیربخش توسعه به شمار رود.

منابع

- حسنوند، سمیه و خداپناه، مسعود (۱۳۹۳). "تأثیر گردشگری بر رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه: دو رویکرد پانل ایستا و پانل پویا". *سیاست‌های راهبردی و کلان*، شماره ۶، ۱۰۲-۴۷.
- حقیقت، علی، خرسندیان، عبدالخالق و عربی، حامد، (۱۳۹۱). *بررسی رابطه علیت میان رشد اقتصادی و توسعه گردشگری کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا MENA*، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال یکم، شماره دوم، ۱۰۸-۷۲.
- دایی کریم زاده، سعید و شاکرمی، محبوبه السادات. (۱۳۸۹). "بررسی اثر گردشگری بر نابرابری درآمدی مطالعه موردی کشورهای گروه D-8 طی دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۹۰". همایش منطقه ای صنعت توریسم.
- زندى، ابتهال. (۱۳۸۹). "تأثیر اشتغال بر کاهش فقر در دو بخش خدمات گردشگری و بیمارستانی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- سیدشکری، خشایار و ابراهیمیان، زینب (۱۳۹۱). *مقایسه اثر گردشگری بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- شکوری، علی. بهرامی، شقایق. (۱۳۹۳). "مطالعه تأثیر گردشگری روستایی بر کاهش فقر از منظر معیشت پایدار: مورد روستاهای قلعه نو و کلین شهرستان ری". *توسعه روستایی*، دوره ششم، شماره ۱.
- صادقی جقه، سعید. (۱۳۸۵). "بررسی رابطه میان گسترش پدیده گردشگری و کاهش فقر (مطالعه مقایسه‌ای در شهرهای هریس و کلبر آذربایجان شرقی در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- طیبي، سيد كمیل، بابكي، رواله و جباري، امير (۱۳۸۶). *بررسی رابطه توسعه گردشگری و رشد اقتصادی در ایران (۸۳-۱۳۳۱)*، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۱۱۰، ۲۶-۸۳.
- طیبي، سيد كمیل، جباري، امير و بابكي، روح اله. (۱۳۸۷). "بررسی رابطه علی بین گردشگری و رشد اقتصادی". *دانش و توسعه*، سال پانزدهم، شماره ۲۴، ۸۴-۶۳.
- مصطفوی، سید مهدی. هوشمند، محمود و محقق، اکرم. (۱۳۹۲). "بررسی اثرات نابرابری بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب در حال توسعه". اولین همایش ملی گردشگری و طبیعت گردی ایران زمین.
- هوشمند، محمود. مصطفوی، سید مهدی. احمدی شادمهری، محمد طاهر و محقق، اکرم.

(۱۳۹۲). " بررسی تأثیر گردشگری بر کاهش فقر در کشورهای منتخب در حال توسعه". *مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، سال دوم، شماره ۱: ۲۸-۱۱.

یاوری، کاظم، رضاقلی‌زاده، مهدیه و آقایی، مجید و مصطفوی، محمدحسن (۱۳۸۹). تأثیر مخارج توریسم بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۹۱، ۲۴۲-۲۱۹.

Alesina, A. and R. Perotti, 1996, Income Distribution, Political Instability and Investment, *European Economic Review* 40(6), pp.1203-28.

Arellano, M., Bond, S., 1991, some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations, *Review of Economic Studies* 58, 277-297.

Ashley, C. Goodwin, H and Roe, D. (2001). "Pro-Poor Tourism Strategies, Expanding Opportunities for the poor". Pro-poor Tourism Briefing, Working Paper, No 1.

Balaguer, J and Cantavella-Jorda, M, (2002), "Tourism as a long-run economic growth factor: The Spanish case", *Applied Economics* 34, pp. 877-884.

Barro, R., 2000, Inequality and Growth in a Panel of Countries, *Journal of Economic Growth*, 5-32.

Blake, Adam. Arbache, J. Thea Sinclair, M and Vladimir Kuhl Teles. (2008). "Tourism and Poverty Relief". Sao Paulo School of Economics

Bourguignon, F., 1996, Comment on Inequality, Poverty and Growth: Where do we Stand, by A. Fishlow, Annual World Bank Conference on Development Economics 1995, The World Bank, pp.46-9.

Brida, Juan Gabriel, Edgar, J. Sanchez Carrera and W.Adrian Risso, (2008), "Tourism's Impact on Long-Run Mexican Economic Growth", *Economic Bulletin*, Vol. 3, No.21 pp. 1-8.

Bright, Adiyia. (2014). "Spatial analysis of Tourism Income distribution in The accommodation Sector in Western Uganda". *Tourism and Hospitality Research*.

Carrascal Incera, A. (2015). "Income distribution and inbound tourism consumption in Galicia: multiplier decomposition analysis". University of Santiago de Compostela.

Croes, R and Vanegas, M. (2008). " Cointegration and Causality between Tourism and Poverty Reduction". *Journal of Travel Research*, Vol 47: 94-103.

Demirguc-Kunt, Asli and Levine, Ross. (2007). "Finance, Financial Sector Policies, And Long-Run Growth". Commission on Growth and Development, Working Paper, NO 11.

Dollar, D and Kraay, A. (2002). " Growth is good for the poor". World Bank Research Working Paper 2587, Washington DC.

Dritsakis, Nikolas, (2004), "Tourism as a Long-run Economic Growth Factor: An Empirical Investigation for Greece" *Tourism Economics*, 10 (3), (September 2004):305-316.

Fayissa, B, Nsiah, C & Tadasse, B (2007). The impact of tourism on economic growth and development in Africa, Middle Tennessee State

- University, Department of Economics and Finance, Working Papers, 1- 16.
- Fayissa, B, Nsiah, C & Tadasse, B. (2009). Tourism and Economic Growth in Latin American Countries(LAC), Further Empirical Evidence, *Tourism Economics*, 807-818.
- Ferreira, F.H.G, 1999, Inequality and Economic Performance: a Brief Overview to Themes of Growth and Distribution, June, <http://www.worldbank.org/poverty/inequal/index.htm>.
- Gartner, C, M. (2008). "Tourism, Development and Poverty Reduction: A case Study Nkhata Bay, Malawi". Master Dissertation, Waterloo University, Canada.
- Gatti, Petra. (2013). "Tourism, Welfare and Income Distribution: The case of Croatia". Original Scientific Paper. 61(1), 53-71.
- J. Eugenio-Martin, N. Morales, R. Scarpa, (2004), "Tourism and economic growth in Latin American Countries: A panel data approach", Milan, Italy, Fondazione Eni Enrico Mattei Nota di Lavoro, No. 26.
- Jalilian Hossein and Kirkpatrick Colin. (2005). "Does Financial Development Contribute to Poverty Reduction?". *Journal of Development Studies*, Vol. 41, May 2005, PP 636-656
- Kraay, Aart (2003), When is Growth Pro-poor: Evidence form a panel of countries, World Bank mimeo
- Kreishan, M (2010). Tourism and Economic Growth, *Jordan Social Sciences*, 229-234.
- Kuznets, S, (1955), *Modern Economic Growth* (New Haven, CT: Yale University Press).
- Lee, C-C, Chien. (2008). "Structural breaks, tourism development, and economic growth: Evidence from Taiwan". *Mathematics and Computers in Simulation* 77, 358-368.
- Lewis, W.A., 1954, *Economic Development with Unlimited Supply of Labor*, Manchester School of Economics and Social Studies 22, 139-81.
- Lewis, W.A., 1983, *Development and Distribution*, in M. Gersovitz, (ed.) *Selected Economic Writings of W Arthur Lewis*, New York: New York University Press, pp.443-59.
- Luvanga, N and Shitundu, J. (2003). "The role of Tourism in Poverty Alleviation in Tanzania". Research Report, No. 03.4.
- Marin, D, (1992), " Is The Export-Led Hypothesis Valid for Industrialize Countries?", *Review of Economics and Statistics*, 74:678-688
- Mason, P. (2003). "Tourism, Impact, Planning and Management". Oxford: Oxford University Press.
- Naschold, F. (2002). "Why Inequality Matters for Poverty Inequality", briefing paper No 2. (2 of 3). Overseas Development Institute, Mokoro and Oxford Policy Management, DFID, UK.
- Oh, Chi-Ok, (2005), "The contribution of tourism development to economic growth in the Korean economy", *Tourism Management* 26, pp. 39-44.
- Rahbari, Mehdi, (2005), "Tourism & Sustainable Development, Symposium on the Role of Tourism in Development of Mazandaran Province", Resanesh Publications, Tehran, Iran
- Ridderstaat , J, Croese, R & Nijkam, p (2013). *Modelling Tourism Development and Long-run Economic Growth in Aruba*, Tinbergen Institute Discussion, 145-167.

Roy, H. (2002). "The Role of Tourism to Poverty Alleviation". Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1599971>.

Solow, R. (1956), "A Contribution to the Theory of Economic Growth," Quarterly Journal of Economics, 70:65-94.

Suraj, Pant and Parker, Jeffrey. (2011). "The Impact of Tourism on Income Inequality". The UCLA Undergraduate Journal of Economic: 39(4):47-99.

UNU-WIDER. (2008). "The Poverty-Growth-Inequality Triangle in China". World Institute for Development Economic Research of the United Nations University, United Nations, New York.

Vanegas, Manuel. (2014). "The Triangle of Poverty, Economic Growth and Inequality in Central America: Does Tourism Matter?". Worldwide Hospitality and Tourism Themes, Vol. 6, No. 3: 277-292.

Wearing, S. (2008). "Pro-Poor Tourism: Who Benefits?". Perspectives on Tourism and Poverty Reduction, Publication in Reviews. Annals of Tourism Research, 35: 33-51.

World Bank, 2013, World Development Indicators Database

World Tourism Organization

Zaman, K. Ikram, W and Ahmad, M. (2009). "Growth-Inequality-Poverty (GIP) Hypothesis in Rural Pakistan (1964-2006): an Investigation Using Bounds Test". International Journal of Rural Management, 5(2): 217-230.

